

از متن مذاکرات آن‌ها سه نتیجه مهم اخذ می‌شود:

۱. آزادی اجتماعات درباره احزاب در اصل ۲۷، فقط با وجود اصل ۲۶ نسبت به جمعیت‌های شناخته شده درخور پذیرش است؛
۲. محدودیت‌های احزاب در خصوص اصل ۲۶ و ۲۷ به صورت رتبه‌بندی احزاب است و تشکل‌های آنان باید طبق مبانی قانونی باشد؛
۳. احزاب صرفاً می‌توانند با اعلام قبلی تجمع کنند.

اگر قید اخلال برای مقامات حقوق عمومی به منظور عدم تشکیل اجتماعات مستند باشد، اول اینکه اصل بر آزادی بیان است و دیگر اینکه مرجع تطبیق رفتارهای سیاسی با نظریه سیاسی قانون اساسی و مبانی اسلام، مراجع حقوقی و دادستان خواهند بود.

سؤال: اگر این قیود برای این اصل است، چرا شورا به آن اشاره نکرده است؟

جواب: اولاً شورا قصد تبیین همه قیود اساسی حاکم بر اصل مذکور را نداشته و این در نظر شورا هم آمده است؛ ثانیاً شورا در خصوص طرح جرم سیاسی، دو ایراد پیاپی به ماده ۱ و ۲ در بندهای الف و ب مطرح کرده که این دو ماده، مخالف اصل ۲۶ و ۲۷ است، به معنای اینکه مقیدات هر دو اصل، حامی حقوق مذکور در این دو است.

قرینه دیگر برای تحقق نظریه ما این است که در حقوق عمومی، آزادی تجمعات قانونی اصولاً فقط برای احزاب و اصناف است. موضوع‌شناسی احکام نیز در فقه با عرف است؛ لذا آزادی انجمن و تجمعات مشروع خواهد بود.

جمع بین این دو اصل، پدیده مسئولیت حقوقی است تا احزاب طبق نظم عمومی حرکت کنند و از آزادی‌ها بهره‌مند شوند.

• تاریخ تحولات فقهی در مسئله اخلال به مبانی

مخل به مبانی اسلام، در نظر تاریخ حقوق و فقه، همان ضروریات دین تلقی می‌شود. گرچه مصادیق ضروری دین به طور کامل و احصاشده بیان نشده است؛ زیرا علاوه بر اینکه امر آسانی نیست، فایده عملیه چندانی هم ندارد، لکن برخی فقیهان به عمد موارد ضروری دین را احصا نکرده‌اند و معتقدند که برای تشخیص مفهوم اخلال باید زمان و مکان را در نظر بگیرند. حتی برخی مصادیق ضروری را بیان و در کنار آن به زمانی بودن آن نیز اشاره کرده‌اند. این نکته را هم باید توجه داشت که شناخت همه مصادیق، فایده چندانی ندارد و همین که فرد مسلمان منکر ضروری دین نباشد، کافی است.

چند نکته

۱. از تعاریف فقها به دست می‌آید که آنچه موجب نفی مذهب می‌شود، باید نفی بدیهی عقلی باشد.
۲. در نفی ضروری دین، فرقی بین احکام، عقاید و اخلاق نیست گرچه برخی بر جنبه کلامی بیشتر تأکید کرده‌اند.

• تاریخ اصل ۲۷ در حقوق اساسی تطبیقی

در مسئله موضوع‌شناسی، ملاک نظر عرف است. در اینجا هم مسئله آزادی اجتماع را باید با عینک عرفی نگاه کنیم. در حقوق اساسی ما و برخی از کشورها مثل فرانسه، آزادی اجتماع و آزادی انجمن‌ها، به طور